

دورنمایی از

کاخهای

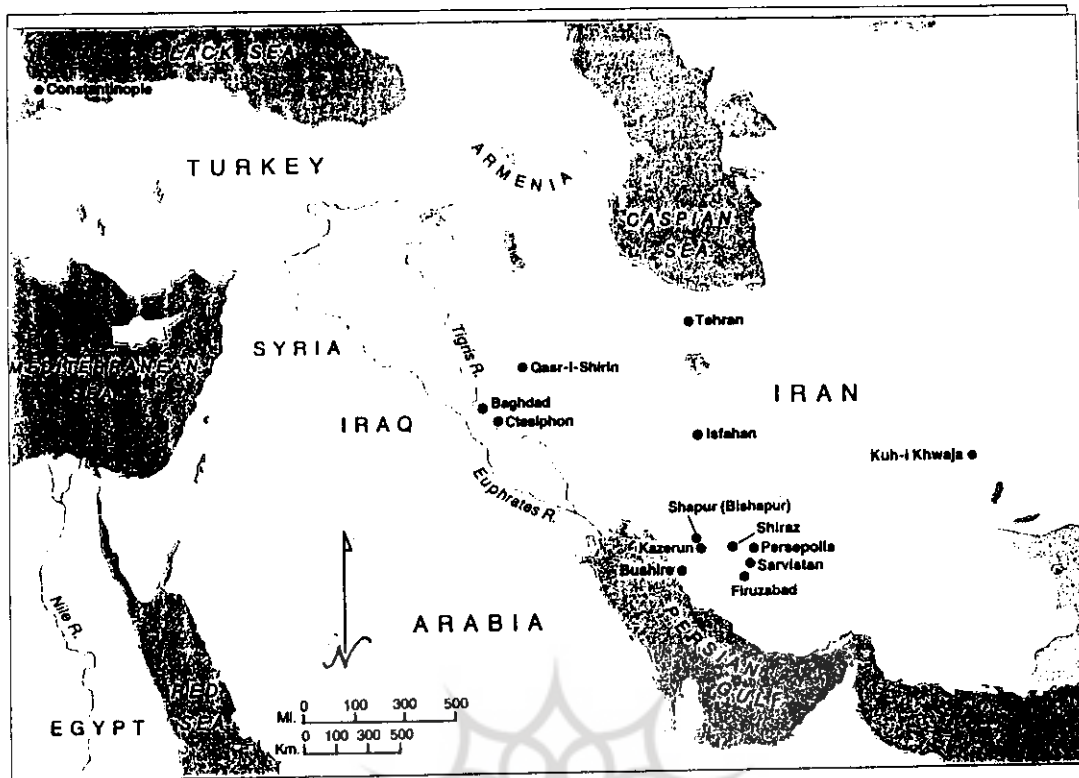
ساسانیان*

قبل از ظهور اسلام اغلب مناطق خاور میانه توسط سلسله ساسانی حکمرانی می‌شد. اردشیر اول تا حدود قرن هفتم، حوزه نفوذ خود را مرتباً از زادگاه خویش واقع در جنوب غربی ایران گسترش می‌داد. گستردگی قلمرو ساسانیان از ارمنستان تا هندوستان و از آسیای مرکزی تا مصر و از سوی دیگر تا شبه جزیره عربستان امتداد داشت. فتوحات آنان منجر به رویارویی با رم و بیزانس شد. در نوشته‌های معاصر، نویسندگان مسیحی سوریه و ارمنستان، شرح بیشتری راجع به مسائل ساسانیان از جمله، نسب‌شناسی اساطیر، فهرست جنگ‌ها، مسائل سیاسی و وقایع شماره‌ها را می‌توان مطالعه نمود، این مطالب در آثار نویسندگان مسلمان که به مسائل قبل از اسلام علاقمند بودند، مندرج است. کتیبه‌هایی از شاهان و مقامات عالی رتبه بصورت کنده کاری روی صخره در سرتاسر غرب ایران، به صورت یادمان معماری توأم با نقش برجسته دست نخورده باقیمانده است. این منابع توأم با دیگر آثار ساسانی چون سکه، موقعیت این دوره را از جنبه تصاویر شاهان ساسانی، جنگهای خارجی، مشکلات و مسائل خارجی و رابطه آنان با روحانیون زرتشتی دیگر نقاط را به وضوح روشن می‌سازد. اطلاعات ما از نظام معماری ساسانیان، به ویژه کاخهای سلطنتی نسبتاً اندک است. در ابتدای قرن نوزدهم، ابنیه بسیاری از این دوره در ایران و عراق رو به ویرانی گذاشت. منابع قرون وسطی به تخریب آثار تاریخی کاخهای ساسانی اشاره نموده، ظاهراً تعداد معدودی از این آثار بطور صحیح به ثبت رسیده‌اند. تألیفات نویسندگان تاریخی و قرون وسطی در مورد هویت بناهای انحصاری یا در ارائه مفهومی قابل درک از معماری کاخهای ساسانی چندان مفید نبوده؛ و در منابع مورخان و جغرافیدانان صدر اسلام نیز، نظرات ارزشمندی ارائه نشده است. چنانچه به بنایی اشاره گردیده، آن را بعنوان یک شاخص شناخته شده در یک محل معرفی نموده‌اند. در واقع این مطالب بیشتر به لحاظ سبک ادبی مناسب ترند تا یک مدرک باستان‌شناسی. مؤلفان به ذکر بخش‌های مختلف بناها از جمله تالار پذیرایی، جایگاه میهمانان، انبارها، نحوه باغداری و تزئینات بنا از جمله ستونها پرداخته‌اند. اما به جزئیات معماری و چگونگی ساخت بنا، کارکرد متقابل اتاقها، نسبت به هم و هر آنچه که منجر به درک ما از سبک معماری بناهای این دوره گردد، اشاره نکرده‌اند. تألیفات غربیان نسبت به معماری ساسانیان از دقت بهتری برخوردار بوده، چرا که از روش توصیفی-تحلیلی

نوشته: لیونل بی‌یر
برگردان: زرین فخار

* - Lionel Bier, Sasanian Palaces in Perspective. Archaeology Vol. 35, Number 1, 1982, PP. 29-36.





تصویر ۱- نقشه امپراطوری ساسانیان

می‌رفت، ایجاد نمود. اطلاعات آگاتیاس راجع به معماری ساسانیان تا حدودی منجر به فاش گردیدن اسرار معماری این دوره گشت. کاخهایی که انتسابشان به ساسانیان قطعیت دارد، بهترین گواهی به منظور شناسایی معماری آنها است.

نخستین نمونه کاخ ساسانی در صد کیلومتری جنوب شیراز، حوالی فیروز آباد واقع شده، این منطقه مرکز یکی از پنج ناحیه‌ای بود که استان فارس را شامل می‌گردید. نویسندگان متأخر اسلامی اظهار داشته‌اند که اردشیر اول (۴۲-۲۲۴ بعد از میلاد) در آنجا شهری بنام اردشیر خوره بنا نهاد، که از جمله افتخارات اردشیر به شمار می‌آمد. نقشه شهر چنان مدور بود که گویی با پرگار رسم شده است. بقایای دیوار شهر که در مجاورت شهر جدید بدست آمده خود کمک شایانی است، که مدور بودن دیوار شهر را اثبات کند. نویسندگان مذکور به چند بنای دیگر در محدوده داخلی دیوار شهر اشاره کردند، گرچه نسبت به دو بنای تخریب شده اثبات ضعیفی داشتند. در مرتفعترین بخش اردشیر خوره به معرفی بنایی به نام «قلعه دختر» پرداخته‌اند و اظهار نمودند، در مجاورت دهانه دشت، ویرانه دیگری وجود دارد که

در نظریات خود بهره جسته‌اند.

آمیانس مارسیلیوس، مورخ رومی در سال ۲۸۲ میلادی، هنگامی که ژولین (Julian) امپراطور روم، به ساسانیان در بین النهرین حمله نمود، در قید حیات بوده و از این روشی مختصر از اقامتگاههای شاهان ساسانی در مجاورت تیسفون (پایتخت آنان)، جائیکه رومی‌ها در آن استقرار داشتند، داده است. آمیانس، در توصیفات خود بیشتر به تزئینات معماری پرداخته، به جز از صحنه‌های جنگ، و خودکامگی ایرانیان، از هنرشان مطلبی نیاورده است.

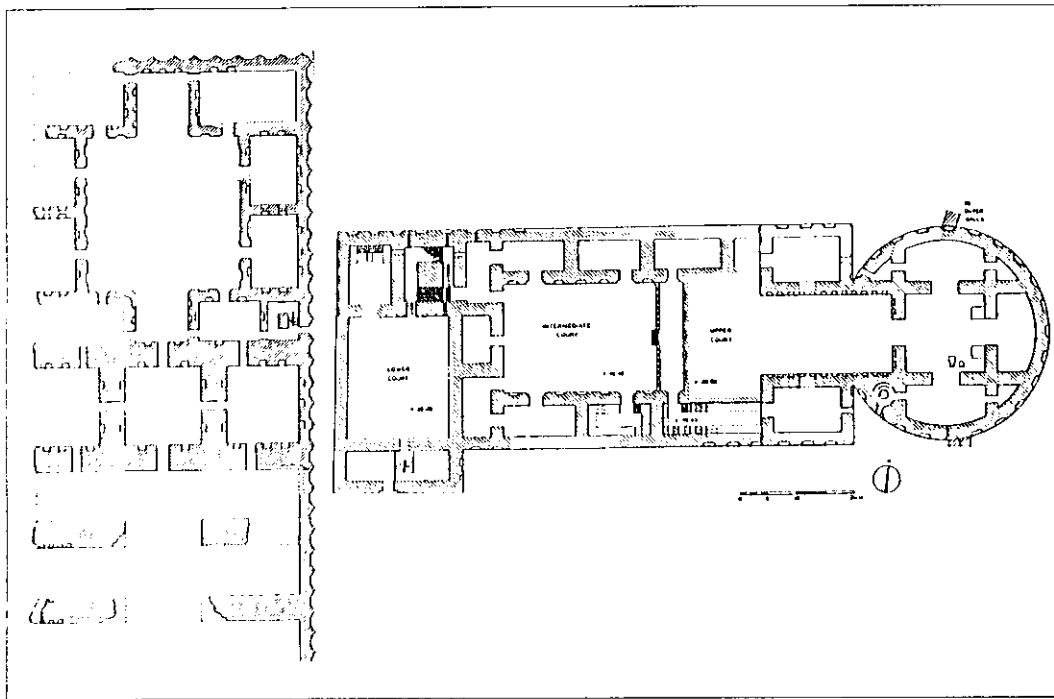
سیرجیوس (Sergius) دیگر مفسر غربی بود که در قرن ششم میلادی از تیسفون بازدید کرد و تحت تأثیر آثار شاهان ساسانی، خصوصاً «خسرو اول» قرار گرفت. علیرغم آنکه به زبان ایرانیان آشنایی چندانی نداشت، اما در سالهای ۷۹-۵۲۱ میلادی به او مجوز دسترسی به بایگانیهای سلطنتی داده شد، تحقیقات وی انگیزه نگارش در زمینه تاریخ و مذهب ساسانیان را در آگاتیاس (Agathias) مورخ بیزانسی که از دوستان وی بشمار



تصویر ۲- نمای شمال شرقی قلعه دختر

اتاق فوق جنبه مرکزی این مجتمع را داشته، راه پله‌های مار پیچ در شرق بنا، به راهروها و تالارهای کوچکی که بدون قاعده منظم طرح ریزی شده، منتهی می‌شوند، اغلب بناهایی که در جنوب ایران به ساسانیان منتسب هستند، از دیوار کشی‌های نامنظمی برخوردار بوده به طوریکه سنگها به صورت ناهماهنگ روی هم کار گذاشته شده و ملاط بین آنها از نابرابری برخوردارند. این نوع معماری فاقد جذابیت بوده، بطوریکه رابرت بیرون (Robert Byron) مسافر انگلیسی را تا آنجا اغوا ساخته که اظهار می‌دارد تنها باستان شناسان قادر به دیدن زیبایی معماری ساسانیان هستند، چیزی که بطور معقول آنرا زیبا جلوه می‌دهد، لایه‌های نازک گچبری است که در این نوع بناها پنهان شده است. تزئینات پراکنده این بنا مشتمل بر ردیفهای گچبری دندانانه در دیوار تالار گنبددار و نیز گچبریهای تزئینی بخش بالایی طاقچه‌ها می‌باشد.

افراد بومی آن منطقه آن را به آتشکده منسوب داشته‌اند. ارنست هرتسفلد (Ernest Herzfeld) با در نظر گرفتن تزئینات این دو بنا اعتقاد دارد که این دو بنا با یکدیگر ارتباط داشتند، به عقیده وی هر دو بنا، کاخ بوده و آن دو را به اردشیر نسبت می‌دهد، یعنی شخصیتی که مؤسس شهرهای مدور بود و در سنگ نگاره فیروزآباد نقش او مشهود است. بررسی و کاوشهای دیتزیش هوف از مؤسسه باستان‌شناسی آلمان، وضعیت قلعه دختر را روشن ساخت. طرح هوف نشان داد که بنا از سه طبقه مجزا از هم تشکیل شده، که مشتمل بر حیاط وسیعی است و راه ورودی آن از سمت جنوبی بنا بوده است و از طریق آستانه دری که رویروی دیوار واقع شده به پلکان بزرگ دسترسی داشتند و از طریق آن به حیاطی که دورتادور آن را اتاقهای متعددی احاطه کرده بود راه پیدا می‌کردند، از طریق بام مسطح حیاط فوق به ایوان بزرگی که به سمت تراس باز می‌شد، دسترسی می‌یافتند. در بخش پشتی ایوان عظیم، اتاق مربع شکلی با پوشش گنبدی واقع شده، احتمالاً



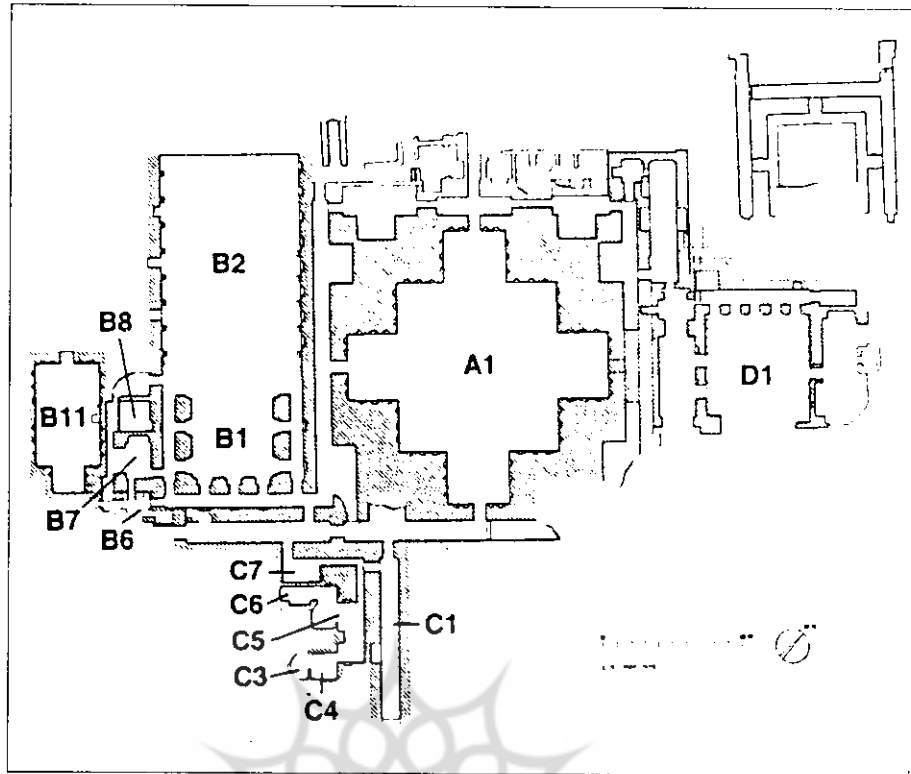
پیشروی ساختمان تا ضلع شمالی عمدتاً شکل ظاهری بنا را تغییر داده و تالار ورودی طولی را جایگزین ایوان نموده، اکثر مؤلفانی که در خصوص معماری ساسانیان تألیفاتی داشته‌اند این مسئله را بیان کرده‌اند. تزئینات این کاخ از نظر گچبری و تزئینات دندانه شکل به قلعه دختر شباهت دارد. اتاقهای گنبددار مشتمل بر طاقچه‌های هلالی با تزئینات گیلوئی گچبری شده به شکل گلبرگ می‌باشند. ظاهراً این خصیصه از گیلوئی‌های مصری که در سنگ‌های بالای آستانه پنجره‌ها و طاقچه‌های کاخ اولیه داریوش در پرسپولیس کنده‌کاری شده، تقلید شده، که قدمتش به ۲۵۰ ق. م می‌رسد و از آنجاییکه معماران ساسانی، معماری ایران قبل از اسکندر را از افتخارات خود می‌دانستند از این جهت چنین ویژگی در اردشیر خوره رعایت گردید.

کاخ دیگر، به شاپور یا بیشاپور معروف است و حوالی کازرون واقع شده یعنی مکانی که، جاده قدیم شیراز و بوشهر را در خلیج فارس بهم مرتبط می‌سازد. در بخش جنوبی شهر و بخش غربی دیوارهایی در جنب خندق و بخش شمالی جنب رودخانه واقع شده، نقشه شهر مستطیل بوده، با خیابانهای مرتب اصلی که بهم پیوسته بوده، و خیابانهای فرعی که در زوایایی یکدیگر را قطع می‌ساختند. بنای ستون یادبود، واقع در تقاطع اصلی به مناسبت گرامیداشت بازدید شاپور اول (۲۶۶-۲۴۲ پس از میلاد) از شهر که در حال ساخت و توسعه بود، بر پا شد. تاکنون در هیچ نوشته‌ای

تصویر شماره ۳. شکل سمت چپ: نقشه کاخ اردشیر - قلمرو حکمرانی اش، حیاطی بزرگ که توسط اتاقهای گنبددار دسترسی به آن بوده ورود به این مجموعه توسط یک درگاه طولی در بخش شمال شرقی امکان‌پذیر بود. مجموعه‌ای از پلکان در سمت غرب امکان دسترسی به اتاقهای کوچک را فراهم می‌نمود و راهروهایی در طبقه بالا وجود داشت.

شکل سمت راست: نقشه قلعه دختر بر اساس طرح حفار آلمانی، اتاقهای گنبددار که از سه طرف به حیاط باز می‌شود. مصطبه از ویژگی این اتاق است.

دومین کاخ در دشت فیروزآباد از آن جهت حائز اهمیت است که سه اتاق گنبددار در یک ردیف با دیوارهای مشترک کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. دسترسی به تالار مرکزی کاخ از طریق حیاط و ایوان دیگری که در پشت کاخ واقع شده، امکان‌پذیر است. دورتادور گنبدها را غلام گردش (تونلی یا طاقهای قوسی یک اندازه) محصور کرده است. روزگاری، انتهای شمالی بنا مشتمل بر ایوان ورودی عمیق و قوس داری ما بین دو اتاق بود که به کاخ اشراف داشت. کشفیات اخیر نشان داد که بنای ساختمان چهارده متر اضافه‌تر بطرف شمال پیشروی کرده، همانند سه بنای مجاور که با نیم ستونهایی جهت پشتیبانی بنا شدند. این امر موجب آن گشت تا فضایی بین تالارها ایجاد شود. از روی بقایا می‌توان چنین احتمال داد که بامها بجای قوسی شکل مسطح بوده‌اند.



صنعت آشنا بودند و از جنگ روم و سوریه به اسارت آورده بود، به منظور ساختمان سازی و پیکرتراشی در غرب ایران استفاده کرد. در مرکز منطقه کاوش، تالار مربع شکلی وجود دارد که توسط چهار ایوان بصورت طرحی چلیپا شکل در آمده، که احتمالاً پوشش گنبدی داشته که روی فیل پوشها واقع شده؛ و در اطراف راهروهایی با ایوانهای قوس دار تشکیل شده بودند. دیوارها از شصت و چهار طاقچه که دارای گچبریهای مخصوص با قابهای چوبی بودند و از هنر رومی اقتباس گردیده، مزین شده بود. در مجاورت این تالار راهرویی وجود دارد که از طریق آن، به تعدادی از اتاقها که دورتادور تالار عظیم کشیده شده بود و منتهی به حیاط می شد، می توان دسترسی یافت (D1). فرانسویها در یکی از تالارهای اصلی که بنا را به ضلع شمالی مشرف می ساخت، قسمت اعظمی از موزاییکهای منقوش مشهور دوره شاپور را کشف کردند که موضوعات آن شامل تصاویر رقصان، مطربان و زنانی که در حال بافتن حلقه های گل هستند، مشهود است. در دید کلی می توان گفت که صحنه ها ویژگی خاصی را ایجاد کرده اند، محققان این مکان را تالار موزاییک نامگذاری کرده اند که مناسب جشنها و ضیافتها بوده

تصویر شماره ۴- نقشه بخشی از حفاری کاخ بيشاپور، که نشان دهنده بخش کوچکی از یک مجموعه وسیع و گسترده واقع در جنوب شرق شهر ساسانی است. محوطه شمالی شامل تالاری به شکل چند ضلعی بزرگ (A1) است. که توسط گروه فرانسوی تاجنگ جهانی دوم تشخیص داده شد. محوطه جنوبی که بیشتر آن توسط آقای علی اکبر سرفراز کشف گردید و شامل بخش های پایین یک ایوان است (B1). تالار با دیوارهای مزین به طاقچه (B11). احتمالاً محوطه پخت و پز (B8) و (B6) و اقامتگاههای محلی (C3، C7) بوده است.]

حتی در متن های قرون وسطی نیز به این موضوع که کاخ در کنج جنوب شرقی این شهر قرار دارد اشاره نشده است. لیکن در سالهای ۱۹۳۰ م، حفاریهایی توسط رومن گیرشمن (Roman Ghirshman) و جرج سالز (Georges salles) از لوور و سپس علی اکبر سرفراز بطور ناقص صورت گرفت. یا توجه به شواهد و مدارک بنا به دوره شاپور منسوب گردید، چرا که اولاً کاخ در شهری که بنیانگذارش شاپور بود عمارت گردید، نقش برجسته هایی از وی در آن منطقه خود دال بر این مدعا است. دوم آنکه تزئینات بنا همانند طراحی شهر، قطعاً به تقلید از شهرهای غربی ایجاد شده، البته باید در نظر داشت، شاپور از آسیرایی که به

است. هوبرتوس ون گال (hubertus von Gall) از مؤسسه باستان‌شناسی آلمان در تهران به مراسمی بنام باسچیک (Bacchic) اشاره دارد که شاپور از پادشاهان هلنیستیک به عاریت گرفته بود، و در پیروزیهای نظامی اش به این شیوه جشن بر پا می‌کرده است. چنانچه این تعبیر صحت داشته باشد، نقوش موزاییک‌ها نه تنها جنبه تزئین داشته، بلکه شبیه هنری تبلیغاتی است و مانند نقوش برجسته آن منطقه کارکرد ارعابی داشته است. محوطه بزرگ ضلع غربی (B2) بطور محدود توسط گیرشمن حفاری شده بود که بعداً توسط آقای سرفراز پاکسازی گردید. وی ایوان هلالی را از زیر خاک در داخل حیاط جنوبی آشکار کرد (B1).

دیوارهای ایوان از سنگهای کوچکی که بین آن ملاط ریخته شده به رنگهای قرمز و آبی تزئین شده بود متشکل گردیده، نشانه‌های ضعیفی از طرح‌های نقاشی در رنگهای آبی، زرد و قرمز با آبی یا سیاه در سال ۱۹۷۶ م در سردرها قابل رؤیت گشت چنین نشانه‌هایی یادآور کاخهای هخامنشیان است. چارچوبهای تورفته درب، ابتدا با ملاطهای خاصی پوشیده بود، و سپس در ردیفهای متنوع به رنگهای قرمز و آبی رنگ‌آمیزی گردید. این نمونه به تقلید از هخامنشیان در زمان شاپور ایجاد شد. حفاری آقای سرفراز در آن طرف حیاط منجر به کشف تالار با دیوارهای تزئینی نیم دایره توأم با طاقچه‌های مربوطه شد (شکل B11) یک دسته از اتاقهای کوچک (7- C3)؛ و مکانی که احتمال می‌رود با وجود وسایل پخت و پز آشپزخانه بوده باشد. (B6)

کاخ تیسفون نزدیک بغداد در عراق واقع شده و از آنجائیکه در پایتخت ساسانیان ایجاد گردیده، حائز اهمیت است. بعد از حکومت اردشیر اول شاهان ساسانی بخشی از حکومتشان را در آنجا مستقر ساختند در منابع تاریخی، رومی، بیزانسی، عرب و ایرانی از این محل ذکر شده است. مشکلات عدیده‌ای از جمله در رابطه با مکان نگاری منطقه وجود دارد. طاق کسری براساس برخی نظرات بزرگترین کاخ شاهان ساسانی محسوب شده است. که در حال حاضر ایوان آجری عظیم و طاقهای هلالی که در شرایط مناسبی بنا شده، بجا مانده است، در مجاورت تالار، تعدادی اتاق کوچک بصورت قرینه واقع شده که فقط بقایای تحتانی دیوارها بجا مانده است. از مجموع کل بنا، فقط بخش عظیم نمای بیرونی که مشرف به منطقه است باقیمانده، طاقهای

این نما، توسط ستونهایی در طبقات تفکیک شده بهم متصل شدند. حتی بعد از تسخیر اعراب در قرن هفتم بعد از میلاد تزئینات اصلی ساختمان هنوز جلال و شکوه خود را حفظ کرده است. برخی از نقاشی‌های دیواری و نقش فرش بهار خسرو که طبری ۹۲۲-۸۲۸ بعد از میلاد آن را به این نام خوانده، بافته شده از ابریشم، مروارید و جواهرات بوده، خود مضامینی را در این رابطه تعبیر می‌کند. متأسفانه آنچه که باقیمانده قطعات مربع شکل از موزاییک‌ها و تکه‌هایی از گچ‌های نقاشی شده می‌باشد که از سیتو (Situ) بدست آمده است. از حفاریها هیچگونه سند قطعی به منظور تاریخگذاری بنا در دست نیست. شاید بیشترین مشکلی که در رابطه با کاخهای ساسانیان مطرح است، کارکرد آنها باشد، اینکه چگونه شاهان و درباریان از آن استفاده می‌کردند. قطعاً این کاخها جایگاهی برای میهمانان پادشاه بوده، منابع قرون وسطی شامل حکایات اخلاقی و شیرینی در رابطه با میهمانان و حضار می‌باشد، که بیانگر رسومات سنتی ساسانیان است. گرچه در خصوص معماری ساسانی به ما اطلاعاتی نمی‌دهد، اما در مورد چگونگی تشریفات ساسانیان اطلاعاتی در اختیار می‌گذارد که جهت بازسازی تاریخ دوره ساسانی سودمند است. شاه روی تخت نشسته و تاج سنگینی بر سر گذاشته که توسط زنجیری که بر بالای سرش آویخته شده بود. تاج نگاهداشته می‌شد.

درباریان طبق آداب و رسوم، بصورت سلسله مراتب به فاصله پرده‌ای از پرده دیگر دورتادور تخت سلطنت ایستاده‌اند. قلعه دختر که توسط هوف حفاری شد خود شاخص دائمی است برای شناسایی سه محل دیگر، که احتمالاً محل تختهای سلطنتی بوده‌اند. سکونی به عمق ۴/۴ متر و ۱/۲ متر ارتفاع در قسمت انتهایی شرقی ما بین حیاط یادآور حفاریات رومی‌ها می‌باشد. سکو با پلکانهای عریضی حمایت شده با ردیفی از طاقچه‌ها در نمای بنا در بالای دیوار که آثار آن باقیمانده است. در انتهایی یکی از اتاقهای واقع در گوشه شمال غربی بنا، پنج صندلی گرد وجود دارد که بوسیله دسته‌هایی از هم مجزا شده و توسط سکویی که در طرفین پلکان است، حمایت می‌شوند.

هنگام پاکسازی در تالار عظیم گنبددار بقایای نیمکتهایی دیده شد که به صورت دو مربع مستطیل شکل حجیم به ارتفاع ۳۰ سانتی متر در جناح شرقی آستانه حفظ شده، انتهای تاسیساتی بصورت پایه ستون در ضلع جنوبی این اتاق کشف شده است.

بهرحال استفاده اختصاصی در رابطه با محوطه‌های تشریفاتی در حال حاضر ناشناخته است. هر یک از کاخهای ساسانی بیانگر بخش مستقلی از اقامتگاههای داخلی ساسانیان است که جهت فعالیت‌های رسمی کارکرد داشته‌اند. آنطور که از منابع ساسانی و صدر اسلام بر می‌آید فقط تعداد کمی از همراهان شاه در این بناها اسکان داده شدند. مرکز اداری بوسیله تعدادی میز و نیمکت اداری دایر شده بود، وظیفه اداره بکارگیری و استخدام کارمندان دولت بود، پیوسته تعدادی از درباریان از بزرگ تا کوچک اطراف شاه را احاطه کرده بودند. ما مطالبی در خصوص بزرگان کاخ از جمله پرده داران، ساقیان، سرآشپزان و رئیس پرنده بازان، سرپیشخدمتها و نگهبانان مطالعه کرده‌ایم. گفته می‌شود تعداد پیشگویان، جادوگران و طالع بینان خسرو دوم (۶۲۸-۵۹۱ بعد از میلاد) بیش از ۳۶۰ نفر نبوده، وی تنها در موارد ضروری با آنها به مشورت می‌نشسته است. که البته صدها پیشخدمت، موسیقی دان و زنان حرمسرا نیز به آنان افزوده می‌شدند. بعبارت دیگر ما بایگانیهایی را مورد مطالعه قرار دادیم و همچنین تالارهای مخصوص ضیافت، اتاقهای خواب را مطالعه نموده، اما تشخیص آنها از بقایای اندکی که در اختیار ما است کاری بس دشوار بوده، بناها یا بصورت کامل حفاری نشده، یا اتاقهای حفاری شده بوسیله اندازه و شکل مشخص نشده‌اند. بهمین جهت هیچگونه اسباب قابل تفسیری را بجا نمی‌گذارد، به بیانی دقیق‌تر، از آنچه که در کاخهای شاهان ساسانی مورد بازدید قرار گرفت، می‌توان چنین استنتاج نمود که بناها به لحاظ شکل بصورت قالبیهای انفرادی بوده‌اند و از این رو با یکدیگر اختلاف دارند، و این ناشی از سلیقه شخصی معماران یا مشوقین بنا بوده است. ممکن است اغلب برای چندین نوع ساختمان مفید باشد که انعکاس دهنده کارکردهای متفاوتی بوده، که آنان انجام می‌دادند. این مسئله با شماری از مؤلفان قرون وسطی که تعداد بسیاری از تشکیلات شاهانه را به دوره ساسانیان استناد داده بودند مرتبط است. کاخ‌های شهری با اهمیت‌ترین مراکز اداری حکمرانی بودند. کاخها با تشکیلات و کارکردهایی متفاوتی از جمله نظامی، تابستانی، زمستانی ساخته شده بودند، و برخی دارای باغ‌های الحاقی نیز بودند.

مسلماً در بیشاپور پایه‌های ثابتی از تخت بدست نیامده است. کشفیات هوف در قلعه دختر، سه مکان دائمی را آشکار نمود که

احتمالاً بواسطه تختهایی حمایت می‌شده و عرض آنها ۴×۴ متر و ارتفاعش ۱ متر بوده که در انتهای شرقی حیاط میانی واقع شده و یادآور دادگاه محاکمات رومی‌هاست. در انتهای یکی از اتاقهای شمالغربی، پنج نشیمن گاه مجزا، توأم با دسته و تکیه گاه بصورت مصطبه‌ای پلکانی شکل واقع شده است. قطعاً در تالار گنبددار بزرگ، بقایای پایه‌های نیمکت مشهود بوده و در ورودی جنوبی دو کنده کوچکتر درخت که بصورت پلکانی نصب شده کشف گردید. که کاربردش با حیاط برگزاری مراسم مرتبط است. که تا اکنون ناشناخته باقیمانده است. هر یک از کاخها مشتمل بر یک واحد، ترکیبی از فعالیت‌های تشریفاتی و آیینی در قلمرو امپراطوری ساسانی می‌باشد. درباریان از کوچک و بزرگ همه زیر سلطه پادشاه قرار داشتند.

ما مطالبی را در رابطه با مقامات بلند مرتبه‌ی درباری، پرده دار، ساقی، سرآشپز آشپزخانه، پرورش دهنده پرنندگان شکاری، و همچنین خزانه داران، خدمتکاران مخصوص و باغبانان می‌خوانیم. گفته شده که خسرو دوم (۶۲۸-۵۹۱ میلادی) حدود ۳۶۰ نفر غیبگو، جادوگر و ستاره شناس را با قاعده خاصی به خدمت گرفته بود. صدها خدمتکار، نوازنده و همچنین زنان حرم نیز باید در نظر گرفته شوند. به عبارت دیگر، ما مطالبی را درباره بایگانی‌ها، تالارهای ضیافت و پذیرایی و استراحتگاههایی جهت خواب می‌خوانیم آنها را از بقایای ناچیز و اندکی که به جای مانده تشخیص می‌دهیم، حتی ساختمانها نیز به طور کلی کاوش نشده، یا اتاقهایی که کاوش شده‌اند، از لحاظ اندازه و شکل و چگونگی اسباب از همدیگر متمایز نشده‌اند. با نگاهی به «کاخهای» ساسانی به مثابه نمونه‌هایی از یک نوع ساختمان منفرد که تفاوت‌های آنها در طرح و شکل نتیجه سلیقه شخص هنرمند یا در اصل، کارآموزی سازندگان آن است، به نظر می‌رسد شاید بیشتر، این فرض مورد قبول باشد که گونه‌های مختلف ساختمان سازی، بازتاب کاربردهای متفاوتی که این ساختمانها ارائه می‌دهند. این موضوع، مطابق با روایات و نقل قولهای نویسندگان قدیم است که گونه عظیمی از بناها و تأسیسات شاهانه را به ساسانیان شاهانه را به ساسانیان نسبت می‌دهند. شهرها مراکز اصلی اداره امور مملکتی بودند، ولی در آنجا گونه دیگری از تأسیسات مجلل از قبیل قلعه و دژهای نظامی، اقامتگاههای زمستانی و تابستانی، کلبه‌های شکار و پابون‌های مستقر در باغها نیز وجود داشت.

که باید مقر افراد دولتی، خصوصی، فرمانروایان، نخبگان و متمولین و کسارمندان عالیرتبه را نیز به آن افزود. بقایای ساختمانی در این منطقه از سردرگمی کمتری برخوردار است. اگر چه تاریخ دقیق طاق کسری در تیسفون موثق نمی‌باشد، اما عده‌قلیلی در اظهار نظر خود تردید داشتند، که این کاخ منسوب به ساسانیان است. پر واضح است که بنای فعلی بخش کوچکی از طرح نقشه اصلی است. بقایای نمای ایوان دوم سبب شده بخشهای موجود و باقیمانده بنا کمی دورتر از محوری که در عرض حیاط بزرگ قرار دارد، نمایان گردد. بدون شک اطاقهایی دورتادور آن را فرا گرفته است. حفاریات آینده قطعاً محدوده وسیعتری از قلمرو پادشاهی ساسانیان را که با دیگر مراکز فرمانروایی مرتبط بوده، نمایان خواهد ساخت. کاوشهای بیشاپور مانند طاق کسری، روشن ساخت که این مجتمع مرکزی رسمی متعلق به حاکمان ساسانی از جمله بیشاپور بوده است. در عکسهای هوایی، نقشه کاخ بیشاپور با ابعادی حدود ۱۶۰ تا ۱۷۰ متر به شکل مستطیل نشان داده شده، در مرکز این کاخ، حیاطی به ابعاد ۲۰ تا ۵۰ متر وجود دارد که ظاهراً متعلق به بخش تالار چلیپا شکل با کریدر عریض و پهن می‌باشد (C1). از کاخی به وسعت ۲۷۰۰۰ متری تنها ۱۷۰۰ متر آن یعنی کمتر از هفت درصد نمایان شده است. اظهار نظر در مورد مشخصه‌های مناطق نسبتاً محدودی که حفاری شده بدون پاکسازی بیشتر، تقریباً غیر ممکن است. تالار و اتاقهای پذیرایی بیشاپور بر خلاف فیروزآباد و تیسفون منحصر به فرد هستند و از یکدیگر متمایزند، که ارائه دهنده عامل بالقوه‌ای جهت تحلیل کارکرد آنهاست.

دو بنای فیروزآباد در مقایسه با این مراکز پراکنده اداری و مسکونی، واحدهای مستقلی هستند. تالارهای گنبددار، ایوانها و حیاطهای آن با تالارهای هلالی یک اندازه که بصورت قرینه در امتداد محورهای منفرد واقع شده‌اند و احاطه گردیده، هوف اظهار می‌دارد طرح کلی دو بنای فیروزآباد با بناهای قرون ۱۷ و ۱۶ در ایران قابل مقایسه است، نورگیرهای زیر گنبد که روشنایی تالار مرکزی را تأمین می‌ساخته و نیز دریاچه مجاور نمای کاخ آتشکده که قابل قیاس با عمارت عالی قاپو در اصفهان است.

در این دو بنای قدیمی، میهمانان شاه را اسکان می‌دادند و در طبقات فوقانی اتاقهای مخصوص بود که درباریان شاه از طریق پنجره، فعالیت‌های اداری و رسمی که در محوطه صورت

می‌گرفت را نظاره گر بودند. بنا به اظهار هوف اگر کاخهای موجود در فیروزآباد نشانگر شکل اولیه‌ی عمارتهای ویلانی ایرانیان است، اتاقهای گنبدی یا تالارهایی که مشرف بر آنها هستند ممکن است برای میهمانان شاه مورد استفاده قرار می‌گرفته است. قلعه دختر بعثت تشکیلات استحکاماتی و موقعیت سوق الجیشی که در بالای کوه مشرف به جاده اصلی واقع شده، بعنوان یک دژ که در دوره ساسانی کارکرد داشته شناخته شده، اما بنا به اظهار هوف اتاقهای فوقانی دورتادور گنبد که در هر دو بنا مشهودند، منزلگاهی برای خانواده‌ی شاهی نبوده، زیرا از نظر ظاهری ترکیبی مناسب نداشت و کوچک و بدون هوای کافی ایجاد شده بود، احتمالاً تالارهای هلالی که دورتادور حیاط کشیده شدند جایگاه مناسبی برای زندگی نبوده، و تاکنون هیچگونه مدرکی نظیر وسایل حمام، آشپزخانه از این مکان بدست نیامده، یقیناً اردشیر در مکانی دیگر زندگی می‌کرده است. درک ما نسبت به معماری کاخهای ساسانی کاملاً محدود است چرا که بخشی از این اطلاعات به ویژگی‌های منابع کتبی که مبهم بوده بر می‌گردد که نسبت به هویت و سولات پیش آمده، عملکرد و صورت ظاهر، موثق عمل نکرده‌اند، تاکنون تحقیقات باستان‌شناسی به تعداد کمی از بناهایی که به لحاظ جغرافیایی از پراکندگی برخوردارند محدود نشده، اکثر این مناطق فاقد کتیبه بوده، به استثناء کوه خواجه^(۱) که در دور افتاده‌ترین بخش شرقی ایران واقع شده، و هیچ یک بطور وسیع حفاری نشده و به اطلاع عموم نرسیده است.

علیرغم اطمینان محققان امروزی تعداد کمی از این بناها با قطعیت به ساسانیان استناد داده شدند، در واقع پژوهش‌های اخیر خصیصه‌ی دو بنای تاریخی را که از دیرزمان بعنوان معماری ساسانی شناخته شده بودند را مورد سؤال قرار می‌دهد. از جمله کاخهای معروف واقع در سرروستان فارس، قصر شیرین در کردستان، دیگر بناهای دوران ساسانی بی شک به دورانهای دیگر استناد داده می‌شود، چرا که این بناها، با دقت مورد بررسی قرار گرفته‌اند. هنوز هم بناهای بیشاپور ارائه کننده بهترین موقعیت برای مطالعه جز به جز کاخهای ساسانی است، اکتشاف بیشتر در کاخ بیشاپور، نه تنها اطلاعات ارزشمندی راجع به طراحی کاخهای ساسانی ارائه خواهد کرد، بلکه در خصوص رابطه بین کاخها و طراحی شهرها نیز اطلاعاتی به ما خواهد داد. باستان‌شناسان امیدوارند، در آینده نه چندان دور اکتشاف خود را در بیشاپور و دیگر کاخهای ساسانی از سرگیرند.